

مکران، بدون توريسم متحول نمی شود!

یکی از دغدغه‌های مهم در توسعه سواحل و بنادر ایران، استقرار جمعیت میلیونی در سواحل مکران بوده است. بدون استقرار جمعیت نمیتوان آمیدی به توسعه پایدار و دائمی در یک منطقه داشت. تمرکز جمعیت هم مستلزم ایجاد شغل و سرمایه‌گذاری است. یکی از ارزانتین زمینه‌های ایجاد شغل نیز حوزه گردشگری است که متأسفانه تاکنون در توسعه مکران کمتر به آن توجه شده است. در این زمینه با دکتر محمد مونسان، عضو هیات علمی دانشگاه و عضو هیات مدیره انجمن مهندسی دریایی ایران گفتگو کردیم.

توسعه همه‌جانبه مکران از سال ۱۳۸۸ مورد مطالبه جدی رهبر انقلاب بوده است. بنظر شما این مطالبه اجرایی شده؟ چرا؟

افزایش جمعیت میلیونی و توسعه همه‌جانبه سواحل مکران یکی از مطالبات مهم رهبری از سال ۸۸ بوده است. همواره صحبت از چگونگی استقرار جمعیت ۵-۸ میلیون نفری در این مناطق بوده است که تاکنون چندان توفیقی نداشته است. یکی از مهمترین علل آن این بوده است که به حوزه گردشگری در این مناطق و تامین زیرساخت‌های آن برای سهولت دسترسی گردشگران داخلی و خارجی به این مناطق بدرستی توجه نشده است. گردشگری حوزه‌ای است که در ازای سرمایه‌گذاری مشخص، چندین برابر حوزه‌های صنعتی دیگر ایجاد اشتغال می‌کند. اشتغالی که نه تنها دولتی نیست بلکه کاملاً متکی به بخش خصوصی و تعاونی است.

دلیل شما چیست؟ آیا اعداد و ارقام بین‌المللی در این زمینه موجود است؟

بله مسلماً. نگاهی به آمار و ارقام ایجاد شغل در واحد سرمایه‌گذاری در اینترنت بخوبی این را نشان میدهد. مثلاً به ازای یک میلیون دلار سرمایه‌گذاری در صنعت ساختمان، ۲۰ شغل، در صنایع تولیدی ۱۴ شغل، در حوزه انرژی و پالایشگاه و پتروشیمی نیز بدلیل گرانی‌بیم بودن این صنعت حدود ۱۰ شغل ایجاد میگردد. در حوزه تجارت و خرید و فروش نیز ۱۹ شغل در ازای ۱ میلیون دلار ایجاد میگردد و بطور متوسط نیز در بین کل مشاغل صنعتی و خدماتی و کشاورزی ۱۷ شغل می‌باشد. حال در این بین حوزه گردشگری یک شگفتی بزرگ است: در ازای هر ۱ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری از ۲۲ تا ۳۵ شغل ایجاد می‌گردد چراکه اشتغال خرد، خودجوش و فصلی زیادی را در خود جای می‌دهد. این بدین معنیست که اگر ما در سواحل مکران تمرکز خود را بر حوزه انرژی و پالایشگاه‌ها و پتروشیمی متمرکز کردیم در ازای هر ۱ میلیون دلار سرمایه‌گذاری حدوداً ۱۰ شغل ایجاد کرده‌ایم در حالیکه همین سرمایه در حوزه گردشگری ۳۵ شغل میتواند ایجاد کند یعنی سه و نیم برابر.

فرض کنید هدف‌گذاری برای استقرار جمعیت ۵ میلیون نفری در یک بازه ۱۰ ساله (تا سال ۱۴۱۰) در این مناطق باشد و مطابق فرهنگ منطقه، هر خانواده بطور متوسط ۵ نفره در نظر گرفته شود. یعنی باید برای اسکان ۵ میلیون نفر جمعیت، ۱ میلیون شغل ایجاد گردد. اگر تمرکز بر حوزه انرژی با ۱۰ شغل به ازای ۱ میلیون دلار باشد، نیاز به ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است که ظرف ۱۰ سال (یعنی سالی ۱۰ میلیارد دلار) باید انجام شود که عدد بزرگ و غیرقابل حصولی است. اگر همین اشتغال ۱ میلیون نفری (برای جمعیت ۵ میلیون نفری) در حوزه گردشگری با ۳۵ شغل به ازای ۱ میلیون دلار متمرکز شود، نیاز به بودجه کمتر از ۳۰ میلیارد دلاری در ۱۰ سال

(یعنی سالی ۳ میلیارد) است که منطقی‌تر و قابل حصول‌تر است چراکه بخشی از آن به پشتوانه سرمایه‌های خرد و کلان بخش خصوصی و تعاونی تامین می‌شود نه صرفاً بودجه دولتی و سرمایه‌گذاری کلان خارجی. بدیهی است که اشتغال پایدار باید ترکیبی از مشاغل گوناگون باشد ولی در هر صورت، حذف کردن حوزه گردشگری از سبد اشتغال یک منطقه بکر مانند مکران، یک اشتباه فاحش است.

فکر میکنید چرا تاکنون به این مهم بی‌توجهی شده است؟

احتمالاً مدیران ارشد توسعه مکران به معجزه ایجاد اشتغال در حوزه گردشگری اشرافی نداشته‌اند و شاید تصور بر این بوده که ایجاد مراکز صنعتی بزرگ میتواند اشتغال بزرگی نیز ایجاد کند که متأسفانه اعداد و ارقام این را نشان نمیدهد و ما در ۱۲ سال گذشته توفیق چندانی در تمرکز جمعیت در این مناطق نداشتیم. عامل مهم دیگر، عدم وجود زیرساختهای گردشگری بوده که مهمترین آن آزادراه برای دسترسی راحت با اتومبیل به سواحل مکران است.

یعنی اتصال آزادراهی به مکران را به عنوان مهمترین زیرساخت توسعه گردشگری می‌دانید؟

دقیقاً. در فرهنگ خانواده‌های امروزی در ایران، سفر با اتومبیل بسیار رایج‌تر از انواع دیگر سفر است. متأسفانه در نقشه آزادراهی فعلی کشور اولویتی برای دسترسی به سواحل مکران دیده نمی‌شود و در نیمه شرقی کشور تقریباً هیچ آزادراهی وجود ندارد و حتی در برنامه‌های ۲۰ سال آینده وزارت راه و شهرسازی نیز هیچ آزادراهی در امتداد سواحل مکران وجود ندارد! یعنی اینکه دسترسی فعلی جاده ای به شرق و جنوب شرقی کشور همچنان خطرناک، غیرایمن، غیرراحت و طولانی بوده و خواهد بود. چگونه ممکن است دسترسی به این مناطق دشوار باشد ولی جمعیت به این سواحل سوق یابند؟ این از محالات است. بطور مثال راه ارتباطی فعلی بین جاسک تا مشهد (قطب جمعیتی شمال شرق کشور) با حرکت پیوسته و دائمی اتومبیل بیش از ۲۰ ساعت زمان میبرد و با لحاظ کردن توقف و استراحت بین راهی بیش از ۳۰ ساعت زمان لازم است. چگونه میتوان در چنین شرایطی به احیای جمعیتی سواحل و نیمه شرقی کشور و احیای گردشگری و سفر خانواده‌های ایرانی به این مناطق و همچنین استقبال کشورهای دیگر از کریدورهای عبوری از ایران امید داشت؟

اگر بین چابهار تا مشهد یا بین جاسک تا مشهد یک آزادراه وجود داشته باشد، طول این آزادراه در حدود ۱۲۰۰ کیلومتر خواهد بود که با سرعت ۱۲۰ کیلومتر در ساعت، زمان سفر بین این مناطق را از ۳۰ ساعت به ۱۰ الی ۱۴ ساعت کاهش خواهد داد. در چنین شرایطی میتوان امید داشت که سفر به سواحل جنوبی در سبد گردشگری خانواده‌های ایرانی جای گیرد و تجار و سرمایه‌گذاران نیز حاضر به تجارت با این مناطق شوند. تصور کنید در ابتدای این آزادراه در مشهد در زمستان، دما برابر منفی ۵ درجه و در همان زمان در انتهای آزادراه در چابهار، دمای مطبوع مثبت ۲۵ درجه برقرار است. تصور اختلاف دمای ۳۰ درجه‌ای در ابتدا و انتهای یک آزادراه، یک تصور رویایی است که میتواند در فصول سرد ایران، مکران را به مقصد گردشگری خانواده‌های ایرانی تبدیل کند.

برای احیای سواحل جنوبی کشور و بطور کلی برای احیای مناطق متروکه و کم جمعیت ایران راهی جز اجرای شبکه آزادراهی متوازن و عادلانه در کشور نیست.